

تلاش آمریکا برای شروع جنگ با ایران را متوقف کنید

بیانیه هیئت تحریریه

24 فوریه 2007

Stop the US war drive against Iran!

تارنمای جهانی سوسیالیست تحریکات سیاسی و نظامی دولت بوش برای زمینه سازی جهت حمله نظامی به ایران را محکوم میکند. ما همه کارگران و جوانان دانشجو را به مخالفت با این عمل وحشیانه و احمقانه جنگ افروزان واشنگتن دعوت میکنیم. تنها راه جلوگیری از جنگ، سازماندهی یک حرکت آگاهمند سیاسی طبقاتی مستقل و بدون رابطه با احزاب حامی امپریالیستها و کمپانیهای بزرگ میباشد.

کمتر از سه ماه بعد از اینکه اکثریت مردم آمریکا با رفتن به صندوقهای رأی گیری مخالفت خود را با جنگ خاورمیانه اعلام کردند دولت بوش نه تنها جنگ در عراق را شدت بخشیده بلکه لجوجانه و به سرعت به طرف جنگ و درگیری با ایران حرکت میکند.

بدون تردید روند زمانی حوادث در حال شتاب گیری است. بعد از انتخابات، بوش توصیه های گروه مطالعاتی عراق برای مذاکره با ایران و سوریه را رد کرد و هم زمان با اعلام شدت بخشیدن جنگ در عراق در دهم ژانویه، ایران و سوریه را متهم به مسلح کردن و آموزش گروههای ضد آمریکایی کرد و اظهار داشت که ارتش آمریکا چنین شبکه هایی را "کشف و نابود خواهد کرد". بمرور و با کمک رسانه های وابسته، اتهامات تحریک کننده بر علیه تهران تحت عنوان "دخالت" در امور عراق و کمک به کشتار سربازان آمریکایی ادامه یافت بدون اینکه هیچگونه مدرک مستدلی ارائه داده شود.

در خلال هفته گذشته مقامات ناشناخته وزارت دفاع "مدارکی" ارائه دادند مبنی بر اینکه بعضی از بمبهای استفاده شده بر علیه گشتیهای آمریکایی در ایران ساخته شده است. آنها و سایر مقامات دولت بوش مدعی شدند که بطور یقین "مقامات بلند پایه دولت ایران" در این امر دخیل بوده اند. این حقیقت که مقامات وزارت دفاع تنها به شرط عدم ثبت و افشای نام آنان حاضر به ارائه این مدارک شدند دلالت بر جعلی بودن اتهامات ارائه شده بر علیه تهران دارد. درحقیقت چهل هشت ساعت بعد از ارائه "دلایل" در بغداد، ژنرال پیتر پیس فرمانده مشترک قوا اعلام کرد که ارتش هیچگونه اطلاعاتی در مورد دخالت دولت ایران در انتقال اسلحه به شبه نظامیان شیعه عراق ندارد.

با این وجود اتهامات ارائه شده بر علیه تهران توسط رسانه های گروهی وسیعا و طوطی وارانه منتشر گردید با این هدف که همان نقش خائنه ای را که چهار سال پیش، قبل از جنگ عراق به عهده داشتند و به صورت کانالی برای انتشار تبلیغات دروغین در مورد سلاح کشتار دستجمعی و رابطه با تروریستها عمل کردند را مجددا ایفا کنند. همزمان با انتشار جعلیات بر علیه ایران عملیات تحریکات امیز، نظیر یورش به دفاتر دولتی ایران در عراق و ربودن مسلحانه دیپلمات های ایرانی ادامه یافت.

تجمع نیروهای نظامی در خلیج فارس با سرعت در جریان است. در پایان فوریه یک ناوگان آمریکایی مرکب از پنجاه کشتی شامل دو ناو هواپیمابر برای اولین بار بعد از مارچ 2003 در خلیج فارس مستقر خواهد شد. گزارشات حاکی است که یک واحد جنگی دیگر نیز در راه است. با پشتیبانی هواپیماهای جنگی مستقر در شبکه ای از پایگاه های موجود در منطقه، ارتش آمریکا قادر خواهد بود بیست چهار ساعته با استفاده از موشکهای کروز و صدها هواپیما به بمباران متوالی ایران ادامه دهد.

همزمان با تهیه مقدمات نظامی، واشنگتن فعالیتهای دیپلماتیک خود را شدت بخشیده است. مقامات ارشد کاخ سفید در هفته گذشته در تلاش برای ایجاد یک اتحاد ضد ایرانی، خاورمیانه را زیر پا گذاشته و از جمله از کشورهای مصر، عربستان سعودی و اردن بازدید بعمل آوردند. همچنین

نزدیکترین هم پیمان آمریکا در منطقه، اسرائیل، ایران را در صورت عدم توقف برنامه اتمی اش از پیش تهدید به "عواقب وخیم" کرده است.

مسافرت دیک چینی معاون ریس جمهور و عامل اصلی حمله به عراق در نوامبر گذشته از اهمیت بالایی برخوردار است. دیدار یک روزه چینی از عربستان سعودی و ملاقات او با پادشاه سعودی افزایش تدریجی تولید و کاهش قیمت نفت در بازار جهانی را به دنبال داشت که نه تنها بر اقتصاد ایران اثر منفی خواهد داشت بلکه بعنوان عاملی علیه شوک اقتصادی حاصل از جنگ عمل خواهد کرد. این ماه چینی از استرالیا و ژاپن دیدار میکند تا حمایت این هم پیمانان نزدیک را از طرح آمریکا بر علیه ایران جلب کند.

از هیچ گونه تلاش لازم برای دامن زدن به جنگ فروگذاری نشده است. هیلاری مان مدیر سابق بخش ایران و خلیج فارس کمیته امنیت ملی دولت بوش به روزنامه نیوزویک گفت "انها قصد دارند تحریکات را به حد اکثر ممکن برسانند تا ایرانیها را وادار به حرکت مقابله به مثل نمایند".

سال ایران چینی

بنا بر گزارش واشنگتن پست "بعضی از مقامات دولت بوش ایده برخورد مستقیم را در مد نظر دارند. یکی از سفیران در واشنگتن گفت که وقتی جان هانا مشاور امنیتی معاون ریس جمهور در یک جلسه اظهار کرد که دولت 2007 را "سال ایران" میدانند و حمله آمریکا به ایران یک احتمال واقعی است او حیرت زده شد." در ضمن سناتور دموکرات از ایالت کانتیکوت، کریستوفر داد در مصاحبه تلویزیونی یکشنبه خود اعتراف کرد که "مطمئناً کسانی هستند که موافق "جنگ با ایران" هستند." ما این را قبلاً مشاهده کرده ایم و آنها علاقمند هستند موردی برای جنگ بسازند".

بعلاوه، پاول کروگمن از نیویورگ تایمز روز دوشنبه ضمن هشدار در مورد حمله به ایران نوشت "نشانه هایی وجود دارد که بخشی قدرتمند در داخل هیئت حاکمه به سمت جنگ با ایران پیش میروند". برنامه سیاست خارجی و دینامیک داخلی دولت بوش شباهت غیرقابل انکاری با دسیسه های دولت نازی و ژاپن ساپنتی دارد. آشکار است که سیاست واشنگتن عمدتاً توسط یک گروه جنگ طلب جنایتکار هدایت میشود که بروز جنگ تجاوزکارانه دیگری را اجتناب ناپذیر میسازد. همانند دوران قبل از جنگ عراق، بوش پیوسته اظهار میکند که آمریکا برنامه عنقریبی برای حمله به ایران ندارد. انکارهای بوش باورکردنی نیست. خوشبینانه ترین تفسیر ممکن از این اقدامات وادار کردن ایران به قبول تمامی درخواستهایشان میباشد. در حال این چنین ارباب جنایتکارانه منطق خودش را دارد و بسادگی میتواند از کنترل خارج شده و به یک برخورد نظامی تمام عیار تبدیل شود. بعلاوه اکثر شواهد شش سال گذشته دلالت بر حسن نیت بوش نمیکند. محافظه کاران جدید که ارائه کننده نقطه نظرات بخش جنگ طلب هیئت حاکمه آمریکا و کاخ سفید می باشند همچنان بر روی "تغییر رژیم" تهران که بخشی از استراتژی بلند مدت تغییرات در خاورمیانه تحت تسلط آمریکا است پافشاری میکنند. روزنامه وال استریت که منعکس کننده نقطه نظرات جناح راست افراطی کنترل کننده کاخ سفید میباشد در سرمقاله سه شنبه خود اتهامات دولت بوش بر علیه ایران را مطلوب دانسته و خواستار آن شد که آمریکا "پامی به تهران بفرستد مبنی بر اینکه که اجازه نخواهد داد سربازان آمریکایی را بدون عواقب ناگوار قتل عام کند" و خواستار یک رشته بمباران هوایی از جمله "مراکز سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و کارخانه های اسلحه سازی" شد.

زنگ خطر نگران کننده از تدارکات پشت پرده را زینسکی برژینسکی مشاور سابق امنیت ملی، در شهادت خود به کمیته روابط خارجی سنا در اول فوریه به صدا درآورد. برژینسکی که عمیقاً نگران این است که سیاست های بوش، آمریکا را بسمت یک فاجعه سوق میدهد جنگ عراق را تقبیح کرد و آنرا یک "فاجعه تاریخی، استراتژیک و اخلاقی" خواند. او بی پرده پیش بینی کرد که ادامه درگیری طولانی آمریکا در عراق "نهایتاً به احتمال درگیری با ایران و بخش عمده دنیای اسلام منجر خواهد شد".

در یک انتقاد شدید از کل برنامه "جنگ بر علیه ترور" بوش، برژینسکی تلاش برای یکسان دانستن افراطیون اسلامی و القاعده با تهدیدات آلمان نازی و اتحاد جماهیر شوروی علیه امپریالزم آمریکا را "یک روایت اسطوره ای تاریخی" خواند. برژینسکی گفت "مطرح کردن اینکه آمریکا عملاً درگیر جنگ در منطقه با تهدیدات گسترده اسلامی با محوریت ایران میباشد یک پیشگویی

خودرأزی کننده میباشد."وی در ادامه سخنانش اعلام کرد " اظهارات مبهم و فتنه جویانه خطرات تصادم بلند مدت بین ایالات متحده آمریکا و دنیای اسلام را افزایش میدهد".

برژینسکی در قسمت دیگر سخنانش طرح اجمالی یک زمینه محتمل برای درگیری بین ایران و ایالات متحده آمریکا را این چنین توصیف نمود. " عدم موفقیت عراق در کنترل شورشیان، اتهامات آمریکا و مقصر دانستن ایرانیان را بدنبال خواهد داشت و سپس نسبت دادن بعضی عملیات تحریک آمیز در عراق و یا یک عمل تروریستی در آمریکا به ایران سراغ یک حرکت نظامی با ادعای "دفاعی" بر علیه ایران را در پی خواهد داشت که نهایتاً یک آمریکای منزوی را در باتلاق گسترده ای، شامل عراق، ایران، افغانستان و پاکستان درگیر خواهد ساخت". در طول مدت شهادتش، برژینسکی مطرح کرد که کاخ سفید نه تنها طرح بالا را دنبال میکند بلکه قادر به سازماندهی " تحریک‌هایی در عراق و یا یک عمل تروریستی در آمریکا" و استفاده از آن به عنوان دستاویز برای شروع جنگ با ایران میباشد. این اظهارات از شخصی با دهها سال تجربه در محافل بالای دستگاه دولتی آمریکا، نشانه بارز این است که دولت بوش لجوجانه و با بی‌اعتنایی کامل به پیامدهای گسترده این چنین اقدامی، بدنبال درگیری با ایران میباشد.

هرگونه جنگی با ایران عواقب آبی و فجیعی برای مردم ایران بدنبال خواهد داشت که پیش از این کشمکش خونین 1980 با عراق را که توسط آمریکا تشویق و ترغیب شد تحمل کرده اند. استفاده از بمب اتمی بر علیه ایران که در میان محافل بالای آمریکایی و اسرائیلی بطور گسترده مطرح میشود چشم انداز مدش هسته ای را برای اولین بار پس از تبدیل بخاکستر کردن شهرهای هیروشیما و ناکازاکی ژاپن در سال 1948 امکانپذیر میسازد .

حمله آمریکا به کشوری با هفتاد میلیون جمعیت و سه برابر وسعت عراق پیامدهای فراتر از ایران خواهد داشت. این کشمکش نهایتاً اثرات عمیقی بر ثبات خاورمیانه و آسیای میانه گذاشته و دخالت قدرتهای بزرگ اروپایی و آسیایی که منافع حیاتی در منابع عظیم نفتی منطقه دارند را در بر خواهد داشت.

تدریجاً رفتار دولت بوش شباهت غربی به رفتار سلطه جویانه و خودسرانه ای دارد که به آغاز جنگ جهانی اول و دوم انجامید. در دهه 1930 آلمان و ژاپن با زمینه های ساختگی و بدون رعایت مقررات بین المللی لشکرکشی را از کشوری به کشوری دیگر گسترش داده و با ارباب مردم رژیمهای دست نشانده خود را منصوب نمودند. امروزه بنظر میرسد سیاست بین المللی عمدتاً در دست چهرهای دیوانه و منحرفی میباشد که حاضرند ماشه یک آتش افروزی بزرگ بین المللی را بچکانند.

ریشه های جنگ طلبی آمریکا

این دیوانگی یک منطق اصولی و اساسی دارد. علل ریشه ای فوران نظامی آمریکا را باید در تلاشهای احمقانه نخبان حاکم برای فائق آمدن بر تناقضات غیرقابل حل سیستم منفعت جستجو کرد: مابین تناقض اقتصاد جهانی و سیستم سرمایه داری با دولت ملی از یک طرف و اجتماعی شدن تولید و انارشی حاصل از مالکیت خصوصی از طرف دیگر. کاهش نرخ سود و شدت گرفتن بحران اقتصاد جهانی قدرتهای بزرگ را وادار به رقابت بی‌امان برای دستیابی به بازار، کار ارزان و منابع میکند، رقابتی که نهایتاً تنها از طریق نظامی قابل حل میباشد.

ایالات متحده آمریکا نمونه بارز این فرایند میباشد. در دوران بعد از جنگ جهانی دوم طبقه حاکمه آمریکا با اختیار داشتن منابع وسیع اقتصادی قادر شد نظام جهانی سرمایه داری را که بخاطر سه دهه جنگ و رکود اقتصادی در استانه فروپاشی بود حفظ و بازسازی نماید. افول متعاقب اقتصادی آمریکا در مقابل رقیبان اروپایی و آسیایی، با نشانه تبدیل شدن از بزرگترین طلبکار به بزرگترین بدهکار، آمریکا را به عمده ترین عامل بی‌ثبات کننده دنیا تبدیل کرده است. آمریکا در یک تلاش مذبحانه سعی میکند ضعف اقتصادی خودش را جبران کند. واشنگتن تدریجاً برای حفظ هژمونی اقتصادی به قدرت نظامی اش متوسل میشود.

تدارکات بوش برای جنگ با ایران هیچ ربطی به برنامه های متناسب به سلاح هسته ای و ادعاهای "دخالت" در عراق ندارد. در حالیکه واشنگتن محاصره اقتصادی ایران را از زمان سقوط محمد رضا پهلوی متحد وفادارش در سال 1979 ادامه داده است، روسیه، چین، ژاپن و هند قراردادهای اقتصادی پرمفعتی با جمهوری اسلامی، مخصوصاً در زمینه های بهره برداری از ذخایر

انرژی به امضا رسانده اند. دستگاه بوش ناتوان از اعمال تسلط اقتصادی با استفاده از قدرت نظامی اش در صدد است دومین ذخیره گازی و سومین ذخیره نفت دنیا را تحت کنترل خود دریاورد.

بزرگترین اشتباه سیاسی ممکن قبول این باور است که قشرهای عاقلتر، چه درون هیئت حاکمه آمریکا و چه در سطح بین المللی از لغزش بطرف جنگ با ایران جلوگیری خواهند کرد. سکوت همگانی مطبوعات و سازمانهای سیاسی آمریکا در مقابل هشدارهای برژینسکی یک بار دیگر ثابت میکند دموکراتها که چراغ سبز برای حمله به عراق را دادند، هیچگونه اقدامی برای جلوگیری از بازی رولت روسی بوش و رفقاییش با دنیا و جنگ با ایران نخواهند کرد. پیشنهاد برژینسکی مبنی بر خروج از عراق و راه حل منطقه ای با مشارکت همه قدرتهای بزرگ به دلایل ساختاری و بنیادی مسئله اشاره میکند. این چنین برنامه ای نهایتا به از دست دادن هژمونی امپریالیزم آمریکا در منطقه خاورمیانه و جهان منجر خواهد داشت، پی آمدی که طبقه حاکمه آمریکا بهیچ عنوان حاضر به قبول آن نیست.

آنهایی که اعتقاد دارند که اتحادیه اروپا، روسیه، چین یا سازمان ملل متحد بعنوان یک عامل ترمزکننده در جهت تمایلات جنگ طلبانه بوش عمل خواهند کرد مایوس و ناکام خواهند شد. تمامی قدرت های بزرگ بعد از مانورهای طولانی در جهت حفظ منافع اقتصادیشان، در ماه دسامبر از قطنامه شورای امنیت ملل متحد که در آن برنامه هسته ای ایران را تهدیدی برای صلح جهان قلمداد و تقبیح کردپشتیبانی کردند. هراندازه هم که عبارت قطنامه شورای امنیت بسیار دقیق و حقوقی باشد آمریکا بدون شک از آن برای توجیه حمله به ایران بهره برداری خواهد کرد هم چنانکه قبل از تهاجم به عراق کرد. بعلاوه مقامات عالیرتبه سازمان ملل متحد در مقابل لشکرکشی آمریکابه خلیج فارس سکوت کامل اختیار کرده اند.

جنگ با ایران پی آمدهای ژرف سیاسی را در آمریکا بدنبال خواهد داشت. نادیده گرفتن نتایج انتخابات نوامبر توسط بوش، مردم آمریکا را به مقابله وادار خواهد کرد. جهت جلوگیری از مخالفت مردم با سیاستهای عمیقاً ضد مردمی حمله به ایران، دولت تهاجمات گسترده به حقوق دموکراتیک در داخل آمریکا را دنبال خواهد کرد. چنانچه کنگره اقدام به ممانعت از برنامه های بوش نماید هیچگونه تضمینی نیست که بوش از قانون اساسی پیروی کند. بوش مکرراً اظهار کرده است که بعنوان فرمانده کل قوا حق دارد معیارهای قانونی را لغو و زیر پا بگذارد. سیاستهای خارجی درنده خوی دستگاه بوش در خدمت منافع سردمداران همان شرکت هایی طفیلی ای است که از طریق تغییرات مداوم سیستماتیک، کوچک سازی سازمانها و واحدهای اقتصادی و غارت اشکار و بی امان، در حال انباشت منفعت های کلان در داخل میباشند. فاصله ای عمیق اجتماعی بین معدودی وقیحانه ثروتمند و اکثریت جمعیت وجود دارد که گرچه در فقر مطلق زندگی نمیکنند، برای گذران زندگی تقلا میکنند. منافع کارگران ایالات متحده آمریکا در حمایت از برنامه های جنگی بوش نیست بلکه در متحد کردن توده بشریت برای صلح، یک زندگی ایرومندانه و احقاق حقوقهای پایه ای دموکراتیک میباشد.

مخالفت تارنمای جهانی سوسیالیست با یورش امپریالیستی بر علیه ایران به معنای حمایت سیاسی از رژیم روحانیت واپسگرای رئیس جمهور، احمدی نژاد نیست. دولت ایران منافع یک اعتلا ف بی ثبات بورژوا سرمایه داری را نمایندگی میکند که با استفاده از عوام فریبهای مذهبی و شعارهای ضد امپریالیستی سعی در جلب حمایت توده مردم را دارد. این دولت بیشتر از همه از شکل گیری یک جنبش مستقل طبقه کارگر ایران که سابقه طولانی مبارزات طبقاتی دارد وحشت دارد. هدف سیاست های سرکوبگرانه رژیم ملایان ممانعت از رستاخیز یک جنبش دموکراتیک، سوسیالیستی و ضد امپریالیستی توده های ایرانی میباشد.

تسویه حساب با بورژوازی وظیفه کارگران ایران میباشد. در واقع جنگ ستیزی دستگاه بوش زمینه را برای دولت احمدی نژاد مهیا میکند تا توجه مردم را از نیازهای اجتماعی در داخل ایران منحرف کند. بعلاوه هدف یورش ایالات متحده آمریکا به ایران نه برقراری یک حکومت دموکراتیک، بلکه نصب یک دولت دست نشانده و تنزل مملکت به حد یک دولت نیمه استعماری تحت الحمایه آمریکا میباشد.

برای یک برنامه سوسیالیستی علیه جنگ

تنها راه برای مخالفت با فوران امپریالیستی آمریکا سازماندهی یک جنبش گسترده و مستقل

کارگری در سراسر جهان و معترض به جنگ و ریشه های اصلی آن، سیستم سرمایه داری میباشد.

نیروی مستقل کارگران باید حول مطالبات مشخص شامل، خروج فوری و بدون شرط تمام نیروهای آمریکا از عراق و افغانستان، خروج ناوگان جنگی آمریکا از خلیج فارس و انحلال پایگاههای تاسیس شده توسط پنتاگن در سرتاسر منطقه خاورمیانه و آسیای مرکزی سازماندهی شود. جوابگویی سیاسی و قانونی تمامی عناصر درون دستگاه بوش که جنگ تجاوزکارانه را بر علیه عراق تدارک دیدند و انهایی که هم اکنون زمینه را برای جنگ با ایران آماده میکنند باید جزو مطالبات باشد. کارگران باید همچنین با هرگونه تلاش آمریکا برای تحمیل خدمت اجباری نظامی و ارسال جوانان طبقه کارگر بعنوان گوشت دم توپ به مخالفت برخیزند.

تلاش بر علیه جنگ باید در جهت مخالفت با طبقه مشخص و امیال منفعت طلبانه آن هدایت شود. واحدهای بیکران نظامی صنعتی آمریکا باید از بخش خصوصی خلع ید شده و بعنوان واحدهای عامه جهت تولیدات صلح آمیز بکار گرفته شود. منابع وسیع اجتماعی نظیر بودجه 470 بلیون دلاری مصرفی امسال وزارت دفاع باید برای حل مسایل اجتماعی عاجل کارگران در آمریکا و جهان استفاده شود. بعلاوه شرکت های عظیم انرژی، نظیر اکسن موبایل، چورن، کونکو فیلیپس و سایرین که ثروت باد آورده را با کشتار و تخریب عراق به یغما برده اند باید تحت کنترل و مالکیت عمومی قرار گیرند.

مبارزه برای پایان دادن جنگ عراق و جلوگیری از تهدید یک جنگ تازه و حتی خونین تر با ایران با احزاب تحت حمایت کمپانی های بزرگ و نهادهای دولتی در ایالات متحده یا کشورهای دیگری امکان پذیر نمی باشد و نیاز به اتحاد تمامی کارگران جهان و ساختن یک جنبش جهانی سوسیالیستی دارد. این وظیفه ای است که کمیته بین المللی انترناسیونال چهارم بعهد گرفته است.

تارنمای جهانی سوسیالیست کنفرانس اضطراری ای را که توسط دانشجویان بین المللی برای برابری اجتماعی و حزب برابری اجتماعی تحت شعار " اشغال عراق را پایان داده و تمامی نیروهای آمریکا را از عراق را خارج کنید. نه به جنگ علیه ایران" برگزار خواهد شد قویا حمایت میکند.

این کنفرانس در 31 مارچ و اول آوریل در دانشگاه میشیگان در آن ارپور میشیگان یک تجمع ضروری برای بسیج دانشجویان، جوانان و کارگران ایالات متحده و بین المللی بر علیه جنگ امپریالیستی و نظام سرمایه داری ایجادکننده آن خواهد بود.

© 1998-2007

World Socialist Web Site
All rights reserved